

مقالاتی در

جامعه‌شناسی سیاسی ایران

نوشته یرواند آبراهامیان

ترجمه سهیلا ترابی فارسانی

فهرست مطالب

الف	یادداشت دبیر مجموعه.....
ث	پیشگفتار مترجم.....
	● استبداد شرقی:
۱	بررسی ایران عصر قاجار.....
۵۶	● دهقانان غیرانقلابی در ایران معاصر.....
۱۰۸	● توده مردم در انقلاب مشروطه ایران.....
	● فرقه گرایی در ایران
۱۴۴	گروههای سیاسی در مجلس چهاردهم (۲۵-۱۳۲۳).....
	● قوت ها و ضعف های جنبش کارگری در ایران
۲۱۶	در سالهای ۳۱-۱۳۲۰.....
۲۵۶	● فهرست اعلام.....

یادداشت دبیر مجموعه

آثار و نوشته‌های یرواند آبراهامیان - پژوهشگر ایرانی که سالها است در ایالات متحده به تدریس و تحقیق اشتغال دارد یکی از تحقیقات موجود در زمینه تاریخ ایران معاصر است. و به رغم علائق بسیاری که بویژه پس از پیروزی انقلاب در زمینه تحقیقات تاریخی بوجود آمده است هنوز هیچ یک از آثار او در ایران منتشر نشده است.

شاید دلیل این امر دیدگاهی است که آبراهامیان در تاریخ‌نگاری به کار می‌برد. دیدگاهی که مانند هر بینش تاریخ‌نگاری دیگری خالی از کاستی نیست و می‌باید با مطالعه سایر دیدگاه‌ها تکمیل و نقد گردد. امید است خوانندگان از این جنبه نیز به مطالعه مقالات این مجموعه بپردازند.

اقدامی که برای معرفی آراء یرواند آبراهامیان می‌تواند صورت گیرد ترجمه و نشر کتاب ایران بین دو انقلاب^۱ است که بیشتر مجموعه‌ای است از مقاله‌های مختلفی که قبلاً به صورت مجزا در نشریه‌های مختلف منتشر شده‌اند، همراه با فصلهایی چند در ایجاد ربط و پیوند بیشتر میان این مقالات. و عملی‌ترین اقدامی نیز که در حال حاضر تا فراهم آمدن امکان ترجمه و نشر کتاب مزبور میسر به نظر می‌آید انتخاب و ترجمه برخی از این مقالات اولیه است.

در نگاه اول چنین به نظر می‌آید که نوشته‌های تاریخی یرواند آبراهامیان نیز بررسی‌هایی است از سِلک دیگر بررسی‌ها و تفسیرهای متعارف مارکسیستی در

ب جامعه‌شناسی سیاسی ایران

زمینه تاریخ معاصر ایران و جهان. چرا که هم مضامین مورد استفاده مانند توجه به نقش اجتماعی اقشار و طبقات فرودست، هم پاره‌ای از اصطلاحات و یا منابع مورد نظر نویسنده نشانی از مکتب فوق‌الذکر در خود دارد. ولی همانگونه که نویسنده نیز در گوشه‌هایی از آثار خود - از جمله در مقدمه مقاله استبداد شرقی در ایران عصر قاجار - متذکر می‌شود، سعی وی بر آن است که پایه‌پای این دیدگاه متعارف که عملاً در شناخت واقعیت‌های تاریخی نیز کارآیی چندانی از خود نشان نداده است، حرکت نکند. احتمالاً یکی از دلایل ماندگاری آثار او و همچنین توجه مستمر دیگر دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری و از جمله آنهایی که بر نقش مذهب در تحولات اجتماعی تأکید داشته‌اند - یعنی دیدگاه‌هایی در مورد تاریخ معاصر ایران که براساس جامعه‌شناسی وبری استوار می‌باشند - به آثار آبراهامیان، ناشی از همین برداشت گسترده او از مسائل اجتماعی است.

البته لازم به یادآوری است که علیرغم این نکات، خواننده نباید خود را از مطالعه سایر نوشته‌ها و بررسی‌هایی که این دوره تاریخی را شامل می‌شود. فارغ بداند. زیرا به هر رو نوشته‌های آبراهامیان نیز از انگاره‌های ویژه او منفصل نیست.

یکی دیگر از ویژگی‌های روش تاریخ‌نگاری یرواند آبراهامیان توجه و تأکید اوست به مبانی اجتماعی تحولات سیاسی. تلاش یرواند آبراهامیان بر آن بوده است که در بیان تحولات تاریخی ایران معاصر موضوع مبارزات اجتماعی و تأثیر آن بر شکل‌گیری برخوردهای سیاسی را نیز روشن سازد و در اتخاذ چنین شیوه‌ای نیز چنان که خود در مقدمه ایران بین دو انقلاب اظهار می‌دارد بیش از همه به روش تاریخ‌نگاری ای. پی. تامپسون (۱۹۹۳-۱۹۲۴)، مورخ انگلیسی نظر دارد که با تحقیق و تحلیل تاریخ فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی طبقات فرو دست بریتانیا در سده‌های اخیر در پیش گرفت و بویژه با فاصله گرفتن از رویکرد قالبی برخی از مورخان مارکسیست عصر خویش که انحصار این گونه بررسی‌ها را در دست داشتند، مکتب تاریخ‌نگاری جدیدی را بنیان نهاد.

تأثیر این روش کار بر تحقیقات آبراهامیان صرفاً به توجه بیشتر به نقش طبقات فرودست در تحولات تاریخی ایران معاصر مانند مقالات «توده مردم» و

یادداشت دبیر مجموعه پ

«دهقانان غیرانقلابی» و «ضعف‌ها و قوت‌های جنبش کارگری ایران» همین مجموعه محدود و منحصر نمانده، خود را در بررسی‌هایی چون «فرقه‌گرایی در ایران» که از مضمونی متفاوت از موارد فوق برخوردار است نیز نشان می‌دهد؛ تبیین تحولات اجتماعی از «پایین به بالا» که در این مورد بخصوص به صورت توجه به مبانی اجتماعی دگرگونی‌های ایجاد شده در ترکیب سیاسی دوره چهاردهم مجلس شورای ملی خود را نشان می‌دهد، یکی از ویژگی‌های مهم این وجه نگرش - می‌باشد.

در خاتمه بار دیگر باید امیدوار بود که با عنایت به آنکه در سالهای اخیر پژوهش تاریخ معاصر وجه فعال و پویایی به خود گرفته است، توجه انتقادی پژوهشگران و محققان داخلی به بررسی‌هایی از نوع آنچه در این کتاب آمده است، به روشن و به برطرف شدن بسیاری از کاستی‌های مستتر در آن بینجامد و راهگشای درک بهتری از گذشته پرفراز و نشیب ایران باشد.

کاوه بیات

پیشگفتار مترجم

بسیاری از مطالعات و پژوهشهای تاریخی جاری به روشنی نشان می‌دهد که شیوه‌های مرسوم تاریخ‌نگاری روایی پاسخگوی مسائل و نیازهای امروزیین جامعه ما نمی‌باشد و شاید برای «خانه‌تکانی تاریخ» و بازگشت از «تعطیلات تاریخی» به منظور بازنگری جدید و متقدانه به مسائل تاریخی کشورمان بیش از هر چیز نیازمند گسترش شیوه‌های مدرن علمی نگرش به تاریخ هستیم. و در پاسخ به چنین نیازی است که آثاری چون نوشته‌های پرواند آبراهامیان و بویژه روشمند بودن آنها، اهمیت خود را نشان می‌دهد.

به رغم اختلاف نظرهایی که در مواردی می‌توان با مؤلف داشت، در بین تألیفات بی‌شمار تاریخهای روایی، معرفی آثار آبراهامیان به عنوان نمونه‌هایی از شیوه‌های تاریخ‌تحلیلی می‌تواند به گسترش و ارائه شیوه‌های روشمند بررسی تاریخی یاری رساند و مورد استفاده دانشجویان و پژوهشگران قرار گیرد. از مباحثی که در این مجموعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نخست می‌توان به مقاله «استبداد شرقی در ایران عصر قاجار»^۱ اشاره نمود. در

۱. "Oriental Despotism the case of Qajar Iran," *International Journal of Middle East Studies*, Vol, 5, Jan. 1974, pp. 3-31.

ج جامعه‌شناسی سیاسی ایران

این مقاله مؤلف ابتدا به طرح نظریه‌های متفکرانی همچون ماکیاولی، هیوم، مونتسکیو و هگل می‌پردازد که به تفاوت‌هایی مابین نظام‌های سیاسی شرق و غرب معتقد بودند و به دنبال آن نظریه‌های اندیشمندان قرن نوزدهم در مورد اختلاف جوامع شرق و غرب تشریح می‌گردد سپس دو فرضیه مبتنی بر تحلیل نظام استبدادی شرق مطرح می‌گردد: نخست نظریه‌ای که اساس استبداد شرقی را مبتنی بر بوروکراسی گسترده می‌داند که دولتی مقتدر را بر جامعه مسلط می‌سازد. نظریه دوم جامعه‌ای را مطرح می‌کند متشکل از بخش‌های نیمه مستقل کوچک و ناتوانی که قدرت مقابله با حکومت مرکزی را ندارند، از این رو دولت بر جامعه‌ای ضعیف، پراکنده و ناتوان تسلط می‌یابد. این دو نظریه با عنوان استبداد متکی بر دیوانسالاری و استبداد متکی بر جوامع پراکنده مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده در مرحله نخست به طرح نظریه‌ها و در مرحله بعدی به بررسی رویدادهای تاریخ قاجار با تکیه بر فرضیه استبداد متکی بر جوامع پراکنده می‌پردازد و بر این اساس تاریخ این دوران را مورد تحلیل قرار می‌دهد و استبداد حکومتی عصر قاجار را با بررسی ساختار اجتماعی، اداری، اقتصادی و سیاسی جامعه ریشه‌یابی می‌کند.

مقاله دیگری که به بررسی نقش «توده مردم در انقلاب مشروطه ایران»^۱ می‌پردازد به این نکته اشاره دارد که تاریخ ایران نشان داده که انقلابها و جنبش‌های موفقیت‌آمیز عمدتاً مبتنی بر حرکت‌های توده‌ای و تجمع‌های مردمی بوده است. بنابراین شناخت تحولات ایران با فهم عملکرد توده مردم کاملاً پیوند دارد. بدیهی است نقش مردم نه تنها موافقان و مخالفانی دارد که فهم‌های متفاوتی نیز از آن وجود دارد. برخی آن را به صورت آرمانی و هدفمند و برخی بسیار حقیر مطرح کرده‌اند. از این رو بررسی نقش مردم همواره در فاصله بین این دو افراط در نوسان بوده و کمتر به عنوان یک موضوع مستقل قابل بررسی و

1. "The Crowd in Iranian politics." Past and Present: A Journal of Historical studies, No 41 (Dec 1968), pp 184-210.

چ پیشگفتار مترجم

تحقیق نگریسته شده است. در مقاله مذکور سعی شده است توده مردم سیاسی در انقلاب مشروطه ایران مورد بررسی جامعه‌شناختی قرار گیرد و این پرسش مطرح گردد که آیا توده مردم سیاسی، افرادی غیر منطقی و حقیر یا عمدتاً ساده و زودباور بوده‌اند. همچنین عملکرد مردم در حوادث و وقایع مشروطه و ترکیب اجتماعی آنها، افشار و گروه‌های مختلف اجتماعی که در گردهمایی‌ها و تظاهرات شرکت کرده‌اند و بافت طبقاتی هواداران و مخالفان مشروطه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در مقاله «دهقانان غیرانقلابی در ایران معاصر»^۱ که با همکاری فرهاد کاظمی نگاشته شده است بر اهمیت جنبش‌های دهقانی در جهان تأکید شده و اینکه چرا در دوره معاصر ایران در مقایسه با دیگر تجارب مشابه در سایر نقاط جهان هیچ شورش بزرگ دهقانی به وقوع نپیوست و چرا اعتراض‌های کوچک به جنبش‌های گسترده تبدیل نشد و چرا رادیکال‌های شهری در دامن زدن به آتش انقلاب‌های روستایی شکست خوردند و چرا دهقانان، پرخاشگر، مدعی و انقلابی نبودند. نویسندگان در پاسخ به این پرسش‌ها به طرح نظریه‌های عمده‌ای در مورد انقلاب‌های دهقانی می‌پردازند. شناسایی عوامل مهم سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مؤثر در ظهور شورش‌های دهقانی و ردیابی این عوامل در تاریخ معاصر ایران از جمله نکاتی است که به آن توجه شده و در پایان جنبش جنگل به عنوان نمونه‌ای از فعالیتهای دهقانان انقلابی در شمال کشور مطرح می‌گردد و وضعیت مناطق شمالی با دیگر مناطق مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل جامعه‌شناسانه قرار می‌گیرد.

در بحث «قوت و ضعف‌های جنبش کارگری ایران»^۲ که مقاله بعدی این

1. "The Nonrevolutionary Peasantry of Modern Iran", *Iranian Studies*, Vol. XI, 1978, pp 259-304.

2. "The strenght and weaknesses of the Labor Movement in Iran, 1941-53", *Modern Iran: the Dialectics of continuity and change*, edited by M. Bonine and N.Keddie, 1981, pp. 181-202.

مجموعه است از دید جامعه‌شناسی سیاسی به دوره‌ای کوتاه از تاریخ ایران نگرسته می‌شود و جنبش کارگری در سالهای ۵۳-۱۹۴۱/۳۲-۱۳۲۰، قوت و ضعف‌های این جنبش و علت بقای ساختار سنتی حکومت طی این سالها مورد توجه قرار می‌گیرد. جنبش کارگری صنعت نفت در سال ۱۳۲۵/۱۹۴۶ و تاریخچه تأسیس و فعالیتهای حزب توده و نقش آن در حرکت‌های کارگری با تکیه بر مسائل درونی جامعه و پایگاه‌های اجتماعی آن در جنبش کارگری و ترکیب ساختار سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. البته این نکته را نیز باید اشاره نمود که نویسنده در این مبحث رابطه حزب با نیروهای شوروی و تأثیر این رابطه در عملکرد آن را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد. سپس قوت و ضعف جنبش کارگری ایران در مقاطع مختلف تاریخی مبتنی بر ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه و نقش اوضاع سیاسی کشور در سال ۱۳۳۲/۱۹۵۳ در سرکوب جنبش کارگری مطرح می‌گردد و ناتوانی عناصر موجود قدرت در اتحاد و پیوند با اقلار مختلف جامعه - روستاییان، کارگران و روحانیون - از عوامل قدرت‌یابی مجدد شاه و پایداری و تداوم نظام حکومت سنتی برآورد می‌شود. در تداوم این روند حضور فعال و مؤثر کارگر صنعتی در انقلاب اسلامی از مباحثی است که مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

در مقاله «فرقه‌گرایی در ایران»^۱ به بررسی عملکرد گروه‌های سیاسی در مجلس چهاردهم پرداخته می‌شود. در واقع مؤلف بر این باور است که دیرپایی و تداوم اشکال مختلف نزاع‌های فرقه‌ای جزئی از مشخصه جامعه ایرانی محسوب می‌گردد، اما به این نکته اشاره می‌نماید که اکثر محققان به تحلیل و بررسی ریشه‌های این مشخصه نپرداخته و با مفاهیم کلی و مبهم همچون «مشخصه ملی» یا ویژگی «فرهنگ سیاسی» از آن گذشته‌اند و یا بر اساس مفاهیم روانشناسی اجتماعی آن را توجیه نموده‌اند. این مقاله با تکیه بر عوامل سیاسی -

1. "Factionalism in Iran: Political Groups in the 14th parliament (1944-46)", *Middle Eastern studies*, Vol. 14, No 9, Jan. 1978

پیشگفتار مترجم خ

اجتماعی به رواج فرقه‌گرایی سیاسی در سالهای ۲۵-۱۳۲۳ خورشیدی می‌پردازد و تحلیل خود را نه بر خصوصیات روحی - روانی سیاستمداران که متکی بر ساختار اجتماعی کشور بنا می‌کند. این بحث در پی پاسخ به این پرسش است که به رغم چالش‌های موجود در این دوران چگونه سلطنت قادر به تثبیت موقعیت خود شد و جناح مخالف دربار بخصوص اشراف قادر به تأسیس شکلی اصولی از حکومت پارلمانی نشدند. مؤلف بررسی این مسائل را با وقایع مجلس چهاردهم مورد توجه قرار می‌دهد.

به منظور استفاده بهتر خوانندگان ضروری است به نکاتی چند اشاره نمایم: در این مجموعه در دو مقاله «استبداد شرقی در ایران عصر قاجار» و «توده مردم در انقلاب مشروطه ایران» سالها به صورت هجری قمری/میلادی و در سه مقاله بعدی، «دهقانان غیرانقلابی در ایران معاصر»، «قوت و ضعف‌های جنبش کارگری ایران» و «فرقه‌گرایی در ایران» تاریخ‌ها به صورت خورشیدی/میلادی ذکر شده است.

در پایان بر خود واجب می‌دانم از کسانی که به شیوه‌های گوناگون مرا در ترجمه این اثر یاری رساندند قدردانی و سپاسگزاری نمایم: دوست و محقق صمیمی حسن فشارکی که همواره با رویی گشاده و علاقه‌مندی قابل تحسینی مرا در مقابله ترجمه فارسی با متن اصلی یاری رساند و با قبول این کار متنی بزرگ بر من نهاد. محمد حسین خسرو پناه که به علاقه‌مندی بسیار و وسواسهای عالمانه با توضیحات و تذکر برخی خطاها در بهتر شدن کار بسیار کوشید. همچنین محمدجواد عیدی که از او نیز به خاطر همکاریهایش سپاسگزارم. بدیهی است گوشزد خطاهای اینجانب از سوی خوانندگان محترم متنی است بزرگوارانه.

سهیلا ترابی فارسانی

آذرماه ۱۳۷۵